

## تولی و تبری و موارد آن از دیدگاه فقه اسلامی

□ شجاعت علی \*

### چکیده

تولی و تبری، به مثابه یکی از فروع دین شمرده می‌شود و تاکنون بحث فقهی گسترده‌ای، چه در منابع فقهی و چه در فقه‌های نوین مانند «فقه اخلاق» و «فقه سیاست» در این ارتباط انجام نشده است. تولی و تبری از مهم‌ترین اصول تربیت اخلاقی و تربیت اجتماعی است و آثار مهمی در زندگی انسان دارد. و از واجباتی است که آیات و روایات اهمیت زیادی به آن داده است. و آن را محکمترین دستگیره ایمان، و ایمان را همان حب و بغض دانسته‌اند و نیز بیان شده است که کامل شدن دین به وسیله تولی و تبری است و نداشتن تولی و تبری به منزله نداشتن دین معرفی شده است. نوشتار حاضر در قالب روش توصیفی، تحلیلی به بررسی حکم تولی و تبری و موارد آن از دیدگاه فقه می‌پردازد. نوشتار حاضر، درصدد است به این سوالات پاسخ دهد که: «تولی و تبری» چیست؟ از منظر فقهی «تولی و تبری» چه حکمی دارد؟ موارد و متعلق «تولی» چیست؟ موارد و متعلق «تبری» چیست؟ کلیدواژه‌ها: تولی، تبری، محبت، دشمنی.

## مقدمه

در اسلام دو اصل به نام «تولی» و «تبری» و به تعبیر دیگر «حب فی الله» و «بغض فی الله» وجود دارد که طبق این دو اصل ما موظفیم دوستان خدا را دوست بداریم و دشمنان خدا را دشمن، و پیشوایان بزرگ دین یعنی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را در همه چیز اسوه و الگوی خود قرار دهیم. تولی و تبری در قرآن و روایات به عنوان دو صفت ممتاز و مهم در مورد یاران پیامبر صلی الله علیه و آله و مجاهدان صدر اسلام ذکر شده است. هدف اسلام از تولی و تبری این است، که مسلمانان باید دستورهای رهبر دینی و پیشرو خود را ایفا کنند، و از این که کافران را ولی و سرپرست خویش قرار دهد، اکیدا بپرهیزد. گرچه تمام مکتب‌ها و احزاب و ادیان، برای خود، نوعی تولی و تبری دارند، ولی اسلام بهترین را داراست و آن را با ایمان، عقیده و عمل آمیخته است تا استوارتر و سازنده‌تر باشد. بی شک بر اساس این اصل، انسان می‌تواند خود را عضو یک پیکر (جامعه اسلامی) بداند، با این طرز فکر، اجتماع به هم پیوسته و هماهنگ می‌شود، و در سایه آن می‌تواند استقلال و عزت خود را همواره حفظ کند. تبری یعنی بیزاری از دشمنان خدا و سرباز زدن از اطاعت و قبول رهبری آنان. حوزه اسلام در صورتی مصون از آفات می‌ماند که با بیگانگان روابطی محدود داشته باشد و گرنه بیگانگان در میان آنان نفوذ می‌کنند و به اختلاف‌ها دامن می‌زنند و مسلمانان را به کفر و فساد، سوق می‌دهند. در اسلام «تولی» و «تبری» شرط اساسی پذیرش اعمال صالحه است و بدون داشتن این دو هیچ عملی پذیرفته نیست مثل آن می‌ماند که شخص هیچ گونه عمل خیری انجام نداده باشد. حضرت امام سجاده علیه السلام به نقل از رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده اند: «عده ای را چه می‌شود که هرگاه در حضور آنان از خاندان ابراهیم یاد می‌شود خوشحال و شادمان می‌شوند، اما هر زمان که نزد آنان از خاندان محمد صلی الله علیه و آله نام برده می‌شود ناراحت می‌شوند؟ سوگند به آن که جان محمد در دست اوست اگر در روز قیامت بنده ای با عمل هفتاد پیامبر حاضر شود خداوند آنها را از او نپذیرد مگر این که با ولایت من و ولایت اهل بیت خدا را دیدار کند» (نوری، ۱۴۰۸، ۱: ۱۵۰). تولی و تبری به عنوان اصول اساسی ایمان، تأثیرگذاری فراوانی در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان دارند. و در زندگی مسلمانان از زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله تا امروز تأثیرگذار بوده است. و به این دو مفهوم

به عنوان اصول اساسی در تربیت و شکل‌گیری اعتقاد و اخلاق مسلمانان تأکید شده‌اند. «تولی و تبری» محکمترین دستگیره ایمان، و ایمان را همان حب و بغض دانسته‌اند و نیز بیان شده است که کامل شدن دین به وسیله تولی و تبری است. باید اذعان نمود که تاکنون بحث فقهی گسترده‌ای، چه در منابع فقهی و چه در فقه‌های نوین مانند «فقه اخلاق» و «فقه سیاست» در این ارتباط انجام نشده است. در این مقاله، قصد داریم به بررسی دو مفهوم «تولی و تبری» پرداخته، اهمیت این دو مفهوم در آیات و روایات، حکم «تولی و تبری» و موارد و متعلق «تولی و تبری» را مورد بررسی قرار دهیم.

### مفهوم شناسی

قبل از هر چیز لازم است معنا و مفهوم تولی و تبری را بشناسیم. در اینجا ابتدا به بررسی معنای تولی پرداخته و سپس معنای تبری را بیان می‌نماییم.

«تولی»: ولایت به معنای ناصر یاور، والی، سرپرست، متولی امر آمده است. مانند «ولی یتیم» یعنی کسی که سرپرستی یتیم را بر عهده دارد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵: ۴۰۷؛ فیومی، بی‌تا، ۲: ۶۷۳). راغب اصفهانی می‌گوید: «وَلَاءٌ، وَ تَوَالِي» یعنی دوستی و صمیمیت که دو معنی از آن‌ها حاصل می‌شود و میان آن معانی چیزی که از آنها نباشد نیست و این معنی یعنی دوستی برای نزدیکی، مکانی، نسبی، دینی، بخشش و یاری کردن و اعتقاد و ایمان بکار می‌رود. و تولی هنگامی که متعدی به نفسه باشد به معنای ولایت است که از نزدیکترین جاها این معنی حاصل می‌شود. «وَلَيْتُ سَمْعِي كَذَا، وَلَيْتُ عَيْنِي كَذَا، وَلَيْتُ وَجْهِي كَذَا» یعنی گوش و چشم و رویم را به او گرداندم و توجه دادم. اما اگر تَوَلَّيْتُ با حرف من متعدی شود چه لفظی بکار رود یا در تقدیر باشد و حذف شده باشد بمعنی اعراض و روگرداندن است و ترك نزدیکی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۸۵-۸۸۶). در تاج العروس آمده است: «تولی، الْوَلَاءُ وَ التَّوَالِي، ولی» به معنای قرب و نزدیکی آمده است (زبیدی، ۱۴۱۴، ۲۰: ۳۱۰؛ ابن ذکریا، ۱۴۰۴، ۶: ۱۴۱). صاحب مقایس الغه می‌گوید: «ولی» دلالت بر قرب دارد به همین خاطر گفته می‌شود «تَبَاعَدَ بَعْدَ وُلِّي، أَيْ قُرْبٍ. وَ جَلَسَ مِمَّا يَلِينِي، أَيْ يَقَارِبُنِي» (ابن زکریا، ۶، ۱۴۰۴: ۱۴۱).

بنابراین می‌توان اینطور جمع بندی نمود: ولایت وقوع شی بعد دیگری با وجود رابطه بین هردو است و مفاهیم قرب و حب، یاری، پیروی، از آثار ولایت هستند بنابراین یکی از از مصادیق ولایت این است که ولایت به معنای تدبیر امور دیگری و بر عهده گرفتن زندگی معیشت دیگری است.

تبری: راغب اصفهانی در مفردات می‌گوید: «اصْل بُرء و بُرء و بُرء و بُرء» ناراحت شدن از چیزی است که مجاورت، و همیاری با آن ناپسند و مکروه است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۱: ۱۲۱). ابن فارس دو معنا برای «برء» ذکر نموده است: «أحدهما الخلق، والأصل الآخر: التَّبَاعُدُ مِنَ الشَّيْءِ» (ابن زکریا، ۱۴۰۴، ۱: ۲۳۶). ابن فارس دو معنا برای برء ذکر کرده یکی به معنای خلق و دیگری به معنای دور شدن از شی. مصطفوی می‌گوید: ماده برأ و بری نزدیک به هم است و هر دو به معنی دور شدن از نقص و عیب است چه در مرحله تکوین و چه بعد از آن و در اینجا مقصود رفع نقص و تکمیل شدن آن شی است مانند مفهوم خلق که تکوین و ایجاد بر کیفیت است و تکوین بعد از تقدیر تکمیل شد و رفع عیب و ضعف است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ۱: ۲۰).

جمع بندی: برء دارای دو معنا است یکی به معنای خلق و دیگری به معنای دور شدن از شی و می‌توان این طور جمع بندی نمود که برأ به معنای دور شدن از عیب و نقص و یا دور شدن از شئی که از آن کراهت دارد. گفته می‌شود.

### تولی و تبری در اصطلاح

در اصطلاح «تَوَلَّى وَتَبَرَّى» دوست داشتن خدا و انبیاء، اهل بیت اطهار و مومنین و دشمنی با دشمنان آنها است به عبارت دیگر حب و بغض در راه خدا است. «حُبِّ فِي اللَّهِ وَبُغْضِ فِي اللَّهِ» یعنی اینکه دوستان خدا را دوست داریم و دشمنان خدا را دشمن، و پیشوایان بزرگ دین یعنی پیامبر اکرم ﷺ و امامان معصومین را در همه چیز اسوه و الگوی خود قرار دهیم. و ولایت آنها را قبول نماییم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱: ۳۶۶؛ تبریزی، ۴۱۶، ۳: ۴۵۲).

## اهمیت تولی و تبری

تولی و تبری در آیات و روایت اهمیت زیادی دارد. در اینجا ابتدا به برخی از آیات قرآن اشاره نموده و سپس به روایات می‌پردازیم:

برخی آیات به مسأله اقتداء به نیکان و اولیاء الله و قطع علاقه و پیوند با دشمنان حق و در یک جمله حُبِّ فِی اللّهِ وَ بُغْضِ فِی اللّهِ را به عنوان یکی از اصول تربیت بیان نموده است. برخی از این آیات عبارتند از:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ آيَاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللّهِ رَبِّكُمْ (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید شما نسبت به آنان اظهار محبت می‌کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده‌اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می‌رانند.

در ایه دیگر نیز پروردگار می‌فرماید:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللّهِ (ممتحنه: ۴)؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند: «ما از شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید بیزاریم.

در سوره احزاب پیامبر را به عنوان الگو و اسوه معرفی می‌کند یعنی اینکه به محبت ورزیده و از او اطاعت نماییم. و از دشمنان او و خدا بیزاری جویم: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّهُ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللّهُ كَثِيرًا» (احزاب: ۲۱).

آیاتی دیگری که به مسأله تولی و تبری پرداخته‌اند که عبارت است از: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳)؛ بگو: من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز دوست داشتن نزدیکانم اهل بیتم و این آیه که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح: ۲۹)؛ محمد ﷺ فرستاده خداست؛ و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت و شدید، و در میان خود مهربانند.

یا این آیه که از مؤمنین خواسته شده که با قوم مغضوب که مورد غضب و دشمنی خدا قرار گرفته دوستی نکنند. «یا ایها الذین آمنوا لا تتولوا قوماً غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» (ممتحنه: ۱۳).

روایات نیز اهمیت زیادی برای تولی و تبری قائل شده اند. و به تعبیر و اشکال مختلف

اهمیت و جایگاه آن را بیان می نماید. رسول خدا به اصحاب فرمود:

أَيُّ عُرَى الْإِيمَانِ أَوْثَقُ فَقَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصَّلَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الزَّكَاةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الصِّيَامُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْحَجُّ وَالْعُمْرَةُ وَقَالَ بَعْضُهُمُ الْجِهَادُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِكُلِّ مَا قُلْتُمْ فَضْلٌ وَ لَيْسَ بِهِ وَ لَكِنْ أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ تَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ (کلینی، ۱۳۶۵: ۲: ۱۲۵)؛ رسول فرمود: کدام دستگیره ایمان از همه مستحکم تر است بعضی اصحاب گفتند خدا و رسول بهتر می داند برخی گفتند نماز، برخی گفتند زکات، برخی گفتند روزه و برخی دگر گفتند حج و عمره، برخی نیز گفتند جهاد، سپس رسول خدا فرمود همه اینها فضیلت دارند ولی محکم ترین دستگیره ایمان محبت در راه خدا و دشمنی در راه خدا و پیروی کردن از اولیای خدا و برائت و تبری از دشمنان او است.

از فضیل بن یسار نقل شده است:

عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْحُبِّ وَ الْبُغْضِ أَمْ مِنَ الْإِيمَانِ هُوَ فَقَالَ وَ هَلِ الْإِيمَانُ إِلَّا الْحُبُّ وَ الْبُغْضُ ثُمَّ تَأَوَّلَ هَذِهِ الْآيَةَ حَبَبَ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَمَهُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ الْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶: ۱۷۰). از امام صادق سوال کردم آیا حب و بغض از ایمان است. امام فرمود آیا ایمان غیر از حب و بغض است. سپس این آیه را تلاوت فرمودند: خداوند ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلهایتان زینت بخشیده، و (به عکس) کفر و فسق و گناه را منفورتان قرار داده است؛ کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافتگانند.

## حکم تولی و تبری

آیات و روایات متعددی که در زمینه تولی و تبری وجود دارند با توجه به این آیات و روایات می

توان به وجوب تولی و تبری حکم نمود. زیرا که اسلام تاکید و سفارش ویژه ای به تولی و تبری دارد تا آنجا که آن را نشانه ایمان، و کسی که به این وظیفه عمل نمی کند (تولی و تبری ندارد) را بی دین شمرده اند. در برخی روایات از تولی و تبری به محکمترین دستگیره ایمان تعبیر شده است: «أَوْثَقُ عُرَى الْإِيمَانِ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ وَ تَوَالِي أَوْلِيَاءِ اللَّهِ وَ التَّبَرُّي مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ» (کلینی، ۲، ۱۳۶۵: ۱۲۵). و برخی از روایات نیز کسانی که تولی و تبری ندارند را بی دین معرفی نموده اند: «كُلُّ مَنْ لَمْ يَحِبَّ عَلَى الدِّينِ وَ لَمْ يَبْغِضْ عَلَى الدِّينِ فَلَا دِينَ لَهُ» (کلینی، ۲، ۱۳۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۶۶: ۲۵۰). و برخی روایات صریح در وجوب است مثل این روایت پیامبر اسلام که فرمود: «الحب في الله فريضة و البغض في الله فريضة» (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۸)؛ محبت در راه خدا و دشمنی در راه خدا واجب است.

آیات قرآن نیز دلالت بر وجوب تولی و تبری دارند. در اینجا برخی از آنها اشاره می نمایم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ آيَاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ

(ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند.

از شأن نزول آیات آغاز سوره ممتحنه استفاده می شود که پیش از فتح مکه فردی به نام «حاطب بن ابی بلتعنه» توسط زنی به نام ساره نامه ای مخفیانه به اهل مکه نوشت که رسول خدا ﷺ قصد دارد به سوی شما بیاید و مکه را فتح کند، آماده دفاع از خود باشید. این در حالی بود که پیغمبر اکرم ﷺ آماده فتح مکه می شد، زن آن نامه را گرفت و در لای گیسوان خود پنهان نمود و بسرعت به سوی مکه حرکت نمود. جبرئیل این ماجرا را به پیامبر ﷺ خبر داد، و آن حضرت، علی را برای گرفتن نامه به تعقیب او فرستاد؛ او در آغاز منکر شد، و هنگامی که مورد تهدید قرار گرفت، نامه را بیرون آورد و خدمت حضرت علی را داد؛ و آن حضرت نامه را خدمت پیامبر ﷺ آورد. حاطب احضار شد، و سخت مورد سرزنش قرار گرفت؛ و عذری آورد و پیامبر ﷺ عذر او را ظاهراً پذیرفت.

در این سوره یکی از اصول اساسی اسلام را که مسأله اقتداء به پاکان و اولیاء الله و قطع علاقه و پیوند با دشمنان حق (حُبِّ فِي اللَّهِ وَ بُغْضِ فِي اللَّهِ) را بیان نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱: ۳۶۸). و از تولی و دوستی با دشمنان خدا نهی نموده است. همچنین در سوره ممتحنه خداوند ابراهیم را به عنوان اسوه تولی و تبری معرفی می نماید:

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَ  
مِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ (ممتحنه: ۴)؛ برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم  
و کسانی که با او بودند وجود داشت، در آن هنگامی که به قوم (مشرك) خود گفتند:  
«ما از شما و آنچه غیر از خدا می پرستید بیزاریم.»

و در آیه مودت «قُلْ لَا اسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳). مودت و محبت اهل بیت اجر رسالت قرار گرفته است. و مراد از قربی اهل بیت رسول می باشد. بنابراین با توجه به آیات و روایات تولی و تبری در راه خدا، واجب است و سیره انبیاء نیز تولی و دوستی با خدا و تبری از دشمنان او است. تولی و تبری سیره انبیاء از جمله ابراهیم است پس تولی و تبری در راه خدا عمل نمودن به سیره انبیاء است. و برخی روایات نیز صراحت در وجوب دارد مثل این روایت پیامبر که فرمود: **الْحَبُّ فِي اللَّهِ فَرِيضَةٌ وَ الْبُغْضُ فِي اللَّهِ فَرِيضَةٌ** (شعیری، ۱۳۶۳: ۱۲۸). پس حب در راه خدا و بغض در راه خدا واجب است. پس حکم تولی و تبری با توجه به آیات و روایات وجوب است.

## موارد و متعلق تولی

بعد از اینکه دانستیم تولی و تبری لازم و ضروری است باید بدانیم متعلق تولی و تبری چه کسانی هستند یعنی چه کسانی باید مورد تولی و تبری قرار گیرند در اینجا به بررسی موارد تولی و تبری می پردازیم:

### ۱. تولی به خدا

تولی به خدا از چیزهای مهم و اساسی است که پیامبران و اولیای الهی از خداوند همیشه خواستار بودند. پیامبر اکرم در این زمینه می فرماید: **اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَ حُبَّ مَنْ يَحِبُّكَ وَ**



حَبِّ مَا يَقْرَبُنِي إِلَى حَبِّكَ وَ اجْعَلْ حَبِّكَ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنَ الْمَاءِ الْبَارِدِ (فیض کاشانی، بی تا، ۸: ۵)؛ خدایا محبت خود را روزی من قرار بده و نیز محبت کسی که تو را دوست دارد و همچنین محبت کسی که مرا به محبت تو نزدیک می نماید خدایا محبتت را نزد من از آب خنک نیز محبوب تر فرما. در آیات متعدد نیز به این مطلب (تولی به خدا) اشاره شده است. «مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ» (بقره: ۱۰۷)؛ آیا نمی دانی که جز خدا سرپرست و یاور برای شما نیست. «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» (شوری: ۹)؛ آیا آنها غیر از خدا را ولی خود برگزیدند؟ در حالی که «ولی» فقط خداوند است.

بنابراین با توجه به آیات و روایات یکی از موارد تولی تولی به خدا می باشد و و حب و بغض فقط باید در راه او و برای او باشد و تولی به خدا و تبری از دشمنان او بر هر چیز مقدم است.

## ۲. تولی به رسول و انبیاء

بعد از محبت به خدا محبت به رسول خدا و انبیاء او سفارش شده است تولی به خدا و رسول و انبیاء از ویژگیهای اساسی مومن و از عوامل مهم تربیت مسلمانان است. از رسول خدا درباره ایمان سوال شد: «یا رسول الله ما الإیمان قال أن یکون الله و رسوله أحب إليك مما سواهما» (ابی فراس، ۱۳۷۶، ۱: ۲۲۳)؛ یا رسول الله ایمان چیست فرمود ایمان یعنی اینکه خدا و رسولش از همه چیز نزد تو محبوب تر باشد. در آیات قرآن نیز پروردگار می فرماید: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران: ۳۱)؛ گو: «اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید. «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶)؛ و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد باایمان را بپذیرند، پیروزند؛ (زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز است.

امام صادق علیه السلام فرمود: «وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ يَحِبُّهُ فَلْيَعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَ لِيَتَّبِعْنَا أَلَمْ يَسْمَعْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَى بِهِ السَّلَامُ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۷: ۵۴). هر کس می خواهد که خدا به او محبت ورزد باید به طاعت خدا پردازد و از ما پیروی نماید. آیا سخن خدا را نشنیده ای که فرمود: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحِبُّكُمْ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (همان). در زمینه تولی به انبیاء نیز آیات

متعددی وجود دارند برخی از این آیات عبارتند از: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ» (ممتحنه: ۴)؛ «وَ اتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ» (یوسف: ۳۸).

طبق آیات قرآن که انبیاء را اسوه و الگو معرفی نموده‌اند تولی به آنها و پیروی از آنها واجب است. و تولی به آنها همان تولی در راه خدا است. بنابراین با توجه به آیات قرآن و نیز روایات یکی دیگر از موارد تولی، تولی به رسول خدا و انبیای الهی است. پس تولی به رسول و انبیای الهی و تبری از دشمنان آنها لازم و ضروری است.

### ۳. تولی به اهل بیت

درباره تولی به اهل بیت در قرآن و روایات سفارش زیادی شده است و آثار مهمی برای آن

ذکر شده است رسول خدا می فرماید:

مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيْمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشْكُرَنَّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ فِي حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي عِشْرِينَ حَصْلَةً عَشْرٌ مِنْهَا فِي الدُّنْيَا وَعَشْرٌ فِي الْآخِرَةِ (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۷: ۷۸)؛ هر کس که خدا محبت ائمه اطهار از اهل بیت مرا روزی اش نماید به خیر دنیا و آخرت رسیده است و شک نکند که او از اهل بهشت است و محبت اهل بیت بیست فایده دارد ده تای آن برای این دنیا و ده تای آن برای آخرت است.

آیات قرآن نیز به تولی و محبت ورزیدن به اهل بیت اطهار سفارش نموده است:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ - وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (مائده: ۵۵-۵۶)؛ ولی و سرپرست و متصرف در امور شما سه کس است: خدا و پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند.

مضمون دو آیه نهی از ولایت اهل کتاب و کفار (و پذیرش ولایت خدا و رسول و امیر المومنین)

است. زیرا امیر المومنین است که در حال رکوع انگشتر خود را به سائل داد (طباطبائی، ۱۳۹۰،

۵: ۶). انما در لغت به معنی انحصار است بنابراین فقط باید ولایت سه نفر مورد پذیرش باشد.

«إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

راکِعُونَ» خدا و پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند، و نماز را برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. در اینجا علاوه بر شان نزول آیه و روایات متعددی که در زمینه انگشتر بخشیدن علی علیه السلام در حال رکوع وارد شده ذکر جمله یَقِيمُونَ الصَّلَاةَ نیز شاهد بر این موضوع است، که در اینجا مراد امیر المومنین است زیرا ما در هیچ مورد در قرآن نداریم که تعبیر شده باشد زکات را با خضوع بدهید، بلکه باید با اخلاص نیت و عدم منت داد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۴: ۴۲۳).  
مرحوم طبرسی می‌فرماید: ولی کسی است که مدبر امور مردم و اطاعتش بر مردم واجب باشد و مقصود از «الَّذِينَ آمَنُوا...» علی علیه السلام است، و بوسیله نص قرآن، امامت او ثابت است (طبرسی، ۱۳۷۲، ۳: ۳۲۶).

آیه دیگر که بر وجوب تولی اهل بیت دلالت می‌کند این آیه است. «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳). صاحب المیزان درباره آیه می‌گوید: در این آیه مراد از مودت به قربی «دوستی خویشاوندان رسول خدا صلی الله علیه و آله که همان عترت او از اهل بیتش باشند» است و بر طبق این تفسیر روایاتی هم از طرق اهل سنت، و اخبار بسیار زیادی از طرق شیعه وارد شده که همه آنها آیه را به مودت عترت و دوستی با آن حضرات علیهم السلام تفسیر کرده، اخبار متواتری هم که از طرق دو طائفه بر وجوب مودت اهل بیت و محبت آن حضرات رسیده، این تفسیر را تایید می‌کند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۱۸: ۴۶؛ مکارم شیرازی، ۲۰، ۱۳۷۱: ۴۰۷). سیوطی در الدر المنثور از مجاهد و او از ابن عباس نقل می‌کند: «من طریق مجاهد عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ان تحفظونی فی أهل بیتی و تودوهم بی» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۶: ۷). رسول خدا فرمود: تفسیر قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى این است که ان تحفظونی فی اهل بیتی و تودوهم بی، یعنی حق مرا در اهل بیتم حفظ کنید، و آنها را به سبب من دوست دارید. و همچنین در روایت دیگر از ابن عباس آمده است: «لما نزلت هذه الآية قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳): «قالوا یا رسول الله من قربتک هؤلاء الذین وجبت مودتهم قال علی و فاطمة و ولداها» (سیوطی، ۱۴۰۴، ۶: ۷).

بنابراین با توجه به آیات قرآن و روایات تولی به اهل بیت واجب است از مهمترین آیاتی که دلالت بر این مطلب داشتند عبارت بودند از: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ

يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده: ۵۵)؛ «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» (مائده: ۵۶)؛ «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى» (شوری: ۲۳).

و به برخی از روایات که به تولی اهل بیت دلالت داشتند اشاره کردیم از جمله: مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيِّمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۷: ۷۸). و یا این حدیث: من مات علی حب آل محمد مات شهیدا آلا و من مات علی حب آل محمد مات مؤمنا مستکمل الایمان (همان، ۱۶: ۲۳). بنابراین با توجه به آیات و روایات یکی از موارد تولی، تولی و دوستی با اهل بیت علیهم السلام است.

## موارد و متعلق تبری

بعد از اینکه دانستیم تولی و دوستی با چه کسانی واجب است باید بدانیم که چه کسانی مورد و متعلق تبری هستند و باید از آنها تبری جوییم در اینجا به موارد تبری اشاره می‌نماییم:

### ۱. تبری از شیطان

یکی از موارد تبری با توجه به آیات قرآن شیطان است خدا در قرآن از دوستی و پیروی از شیطان نهی نموده است و می‌فرماید تولی به شیطان کار مومنین نیست: «لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ - إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره: ۲۰۸)؛ از گامهای شیطان، پیروی نکنید؛ که او دشمن آشکار شماست. و همچنین در آیه دیگر این طور آمده است: «إِنَّا جَعَلْنَا الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ» (اعراف: ۲۷)؛ بدانید ما شیاطین را اولیای کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. بنابراین یکی از موارد تبری شیطان است. و باید از او تبری جست.

### ۲. تبری از مسخره کنندگان دین

یکی دیگر از موارد تبری، و کسانی که خداوند از دوستی با آنان نهی می‌کند مسخره کنندگان دین هستند. پروردگار در قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَ لَعِبًا» (مائده: ۵۷)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! افرادی که آیین شما را به باد

استهزاء و بازی می‌گیرند ولی خود انتخاب نکنید. در شأن نزول آیه آمده است که جمعی از یهود و بعضی از مسیحیان، صدای مؤذن را که می‌شنیدند و یا قیام مسلمانان را به نماز می‌دیدند، آنان مسخره و استهزا می‌کردند (قرآنی ۲، ۱۳۸۸: ۳۲۳).

پروردگار در این آیه می‌فرماید ای کسانی که ایمان آورده‌اید با آنها که آئین شما را به باد استهزاء و یا به بازی می‌گیرند، دوستی نکنید. و در پایان آیه با جمله «و اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ» موضوع را تاکید کرده که طرح دوستی با آنان با تقوا و ایمان سازگار نیست. (همان، ۴: ۴۳۵).

هزو به معنای مزاحی است که به صورت غیابی و پنهانی صورت کی گیرد و گاهی هم به شوخی‌هایی نظیر مزاح علنی اطلاق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۴۱). لعب فلان یعنی اینکه که کاری را بدون اینکه غرض و مقصد صحیحی از آن در نظر داشته باشد انجام دهد (همان، ۱۴۱۲: ۷۴۱).

صاحب المیزان می‌فرماید: وقتی چیزی را به باد مسخره می‌گیرند معنایش این است که می‌خواهند به سایرین بفهمانند که آن چیز در نظرهایشان غیر قابل اعتنا است. بنابراین اگر مردمی دینی از ادیان را استهزا می‌کرده‌اند خواسته‌اند بگویند که این دین جز برای بازی و اغراض باطل به کار دیگری نمی‌خورد، و هیچ فایده عقلایی و جدی در آن نیست، و گرنه کسی که دینی را حق می‌داند و شارع آن دین و داعیان بر آن و مؤمنین به آن را در ادعا و عقیده مصاب و جدی می‌داند و به آنان و عقیده‌شان به نظر احترام می‌نگرد، هرگز آن دین را مسخره و بازیچه نمی‌گیرد. پس آیه می‌گوید مسلمین باید دوستی کسانی را که اسلام را سخریه می‌گیرند ترك کنند، و زمام دل و جان خود را بدست اغیار نسپارند، و گرنه اختلاط روحی که لازمه دوستی است باعث می‌شود اینان عقاید حقه خود را از دست بدهند (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۶: ۳۸). بنابراین با توجه به آیه شریفه کسانی که عبادات نماز، روزه، و دین ما را مورد تمسخر قرار می‌دهند لایق دوستی نیستند و باید از آنها برائت و بیزارگی جست زیرا تولی و دوستی با آنها باعث ضعف دین، و از بین رفتن آن می‌گردد.

### ۳. تبری از طاغوت

یکی دیگر از موارد و کسانی که باید مورد تبری واقع شوند طاغوت است پروردگار دستور دوری

از ولایت طاغوت و قبول ولایت الهی می دهد. برخی از آیات که بر این مطلب دلالت دارند عبارتند از:

«لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل: ۳۶)؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید. «لَا إِكْرَامَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنُ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ» (بقره: ۲۵۶)؛ در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. بنابر این، کسی که به طاغوت (هر موجود طغیانگر) کافر شود و به خدا ایمان آورد، به دستگیره محکمی چنگ زده است. پس یکی دیگر از موارد تبری طاغوت است البته طاغوت می تواند در هر زمان به شکل های مختلف بروز نماید. بنابراین طاغوت به هر شکلی باشد تبری از آن لازم و تولی به خدا واجب است.

#### ۴. تبری از دشمنان خدا

و یکی دیگر از موارد تبری، تبری از دشمنان خدا است خدا در قرآن از دوستی با دشمنان او نهی می کند. می فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ (ممتحنه: ۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید دشمن من و دشمن خودتان را دوست نگیرید! شما نسبت به آنان اظهار محبت می کنید، در حالی که آنها به آنچه از حق برای شما آمده کافر شده اند و رسول الله و شما را به خاطر ایمان به خداوندی که پروردگار همه شماست از شهر و دیارتان بیرون می رانند. آیه می گوید به خدا محبت می ورزید این مطلب با دوستی دشمنان خدا ناسازگار است نمی شود هم خدا را دوست داشته باشیم و هم دشمنان او را دوست داشته باشیم.

در اینجا می توان گفت که بعضی از مؤمنین مهاجر در خفا با مشرکین مکه رابطه دوستی داشته اند، و انگیزه شان در این دوستی جلب حمایت آنان از ارحام و فرزندان خود بوده، که هنوز در مکه مانده بودند. این آیات نازل شد و ایشان را از این عمل نهی کرد. کلمه عدو به معنای دشمن

است که هم بر یک نفر اطلاق می‌شود، و هم بر جمع دشمنان، و مراد آیه شریفه جمع آن است، به قرینه اینکه فرموده اولیاء خود نگیرید و نیز به قرینه ضمیر جمع در الیهم و قرائن دیگر. و منظور از این دشمنان مشرکین مکه‌اند، و دشمن بودنشان برای مؤمنین به خاطر این بود که مؤمنین به خدا ایمان آورده بودند، و مال و جان خود را در راه خدا فدا می‌کردند، و معلوم است کسانی که با خدا دشمنی دارند، با مؤمنین هم دشمن خواهند بود (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۱۹: ۲۲۶).

امیرالمؤمنین می‌فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تُحِبَّ أَعْدَاءَ اللَّهِ أَوْ تُصَفِّيَ وَدَكَ لِغَيْرِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ فَإِنَّ مَنْ أَحَبَّ قَوْمًا حُشِرَ مَعَهُمْ» (تمیمی، ۱۳۶۶: ۲۰۴)؛ اجتناب کن از اینکه با دشمنان خدا دوست باشی یا اینکه دوستی خود را برای غیر دوستان خدا قرار دهی زیرا هرکس هر قومی را دوست داشته باشد با آنها محشور می‌شود.

بنابراین آیات و روایات ما را از دوستی با دشمنان خدا نهی می‌نماید و تبری از آنها را برای ما لازم می‌داند. زیرا کسی که خدا را دوست دارد چطور می‌تواند دشمن او را نیز دوست داشته باشد لازمه تولی به خدا تبری از دشمنان او است.

## ۵. تبری از کفار

مشرکین یکی دیگر از موارد تبری هستند زیرا که قرآن به صراحت می‌گوید باید از مشرکین تبری و دوری جست در ذیل به برخی از آیات قرآن اشاره می‌نماییم:

«إِنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ» (انعام: ۱۹)؛ بگو: من هرگز چنین گواهی نمی‌دهم. بگو: اوست تنها معبود یگانه؛ و من از آنچه برای او شریک قرار می‌دهید، بیزارم. وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ - وَ اخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ - فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ (شعراء: ۲۱۴-۲۱۶)؛ و خویشاوندان نزدیکت را انذار کن - و بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر، اگر تو را نافرمانی کنند بگو: «من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم.

قرآن به اشکال مختلف می‌خواهد ما را محبت و دوستی با مشرکین نهی می‌نماید. در برخی از جاها به صراحت دستور می‌دهد که باید از مشرکین اعراض نمود. در اینجا به برخی از این آیات اشاره می‌نماییم: «فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴)؛ آنچه را

مأموریت داری، آشکارا بیان کن و از مشرکان روی گردان و به آنها اعتنا نکن.

وَ إِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِى مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (انعام:

۶۸)؛ هر گاه کسانی را دیدی که آیات ما را استهزا می کنند، از آنها روی بگردان تا

به سخن دیگری بپردازند و اگر شیطان از یاد تو ببرد، هرگز پس از یاد آمدن با این

جمعیت ستمگر منشین.

در این آیات پروردگار به صراحت دستور اعراض از مشرکین را صادر نموده است. قرآن در برخی موارد اعلان برائت عمومی می کند و هر گونه پیمان با مشرکین را لغو می داند. پروردگار در آیه اول سوره توبه می فرماید: «بَرَاءَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (توبه: ۱)؛ این، اعلام بیزاری از سوی خدا و پیامبر او، به کسانی از مشرکان است که با آنها عهد بسته اید. در اینجا مفاد آیه تنها صرف تشریح نیست، بلکه متضمن انشاء حکم و قضاء بر برائت از مشرکین است، به دلیل اینکه اگر صرف تشریح بود رسول خدا ﷺ را در برائت شریک نمی کرد، چون دأب قرآن بر این است که حکم تشریحی صرف را تنها به خدا نسبت دهد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ۹: ۱۴۷). بنابراین بعد از اعراض از مشرکین پروردگار اعلان برات عمومی می نماید و هر گونه پیمانی با مشرکین، را لغو می داند و با توجه به این آیه، برائت، نشانه‌ی قاطعیت و اقتدار مسلمانان و اصل تربیتی اسلام است. و همچنین دوستی با مشرکین نشانه‌ی ضعف ایمان است.

قرآن در برخی موارد نه فقط برائت و اعراض بلکه دستور جهاد علیه مشرکین صادر می نماید. پروردگار در سوره توبه آیه پنجم می فرماید: «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصِدٍ» (توبه: ۵). بنابراین یکی از موارد و متعلق تبری، کفار و مشرکین است و پروردگار در قرآن به اشکال

مختلف از دوستی با آنها نهی می نماید:

۱. گاهی دستور اعراض می دهد.

۲. گاهی اعلان عمومی برائت می نماید.

۳. و گاهی یک مرحله بالاتر رفته و اعلان جهاد می نماید.



## نتیجه

در این تحقیق به این مطالب دست یافتیم:

۱. ولایت، وقوع شی بعد دیگری با وجود رابطه بین هردو است و مفاهیم قرب، حب، یاری، پیروی، از آثار ولایت هستند بنابراین یکی از از مصادیق ولایت این است که ولایت به معنای تدبیر امور دیگری و بر عهده گرفتن زندگی و معیشت دیگری است.

۲. برء دارای دو معنا است یکی به معنای خلق و دیگری به معنای دور شدن از شی . و می توان این طور گفت که برأ به معنای دور شدن از عیب و نقص و یا به دور شدن از شیئی که از آن کراهت دارد. گفته می شود.

۳. در اصطلاح **تَوَلَّى** و **تَبَرَّى** دوست داشتن خدا و انبیاء، اهل بیت اطهار و مومنین و دشمنی با دشمنان آنها است. به عبارت دیگر **تولی** و **تبری** حب و بغض در راه خدا است (**حُبِّ فِي اللَّهِ** و **بُغْضِ فِي اللَّهِ**).

۴. آیات و روایات دلالت بر وجوب **تولی** و **تبری** دارند و **تولی** و **تبری** را نشانه ایمان، بلکه محکمترین دستگیره ایمان، و کسی که به این وظیفه عمل نمی کند را بی دین شمرده اند. و برخی روایات صریح در وجوب است مثل این روایت پیامبر اسلام که فرمود: **الحب فی الله فریضة و البغض فی الله فریضة محبت در راه خدا و دشمنی در راه خدا واجب است.**

۵. با توجه به آیات و روایات موارد و متعلق **تولی** عبارت است از:

الف: **تولی** به خدا ب: **تولی** به رسول خدا ﷺ و انبیاء اطهار ج: **تولی** به اهل بیت **علیهم السلام**.

۶. با توجه به آیات و روایات موارد و متعلق **تبری** عبارت است:

الف) **تبری** از شیطان

ب) **تبری** از طاغوت

ج) **تبری** از مسخره کنندگان دین

د) **تبری** از دشمنان خدا

ه) **تبری** از کفار.

## کتابنامه

- ابن بابویه شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین، علل الشرایع، منشورات المكتبة الحیدریه، نجف اشرف.
- ابن فارس، ابو الحسین، معجم مقانیس اللغة، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عمیه قم، ۱۴۰۴ ه ق، چ ۱، قم - ایران.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر، بیروت - لبنان، ۱۴۱۴ ه ق، چ ۳.
- ابی فراس، ورام، مجموعه ورام، انتشارات مكتبة الفقيه، قم، ۱۳۷۶ ه ق.
- تبریزی، میرزا جواد، صراط النجاه، دفتر نشر برگزیده المطبعه سلمان الفارسی، ۱۴۱۶ ه ق، چ ۱.
- تمیمی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، انتشارات دفتر تبلیغات قم، ۱۳۶۶ ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۹ ه ق، چ ۱.
- حلی، محمد بن ادیس، مستطرفات السرائر، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۱ ه ق، چ ۲.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، دار العلم - الدار الشامیه، ۱۴۱۲ ه ق، چ ۱، لبنان - سوریه.
- زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی، تاج العروس، دار الفكر للطبائه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ ق، چ ۱.
- زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، دار الكتاب العربی، لبنان - بیروت، ۱۴۰۷ ق.
- سیوطی، عبد الرحمان بن ابی بکر، الدر المنثور فی التفسیر الماثور، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله، ایران - قم، ۱۴۰۴ ه ق، چ ۱.
- شعیری، تاج الدین، جامع الأخبار، انتشارات رضی، قم، ۱۳۶۳ ه ش، چ ۲.
- شوکانی، محمد بن عبد الله، فتح القدر، دار ابن کثیر، سوریه - دمشق، ۱۴۱۴ ه ق.
- طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی، للمطبوعات، لبنان - بیروت، ۱۳۹۰ ه ق، چ ۲.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناصر خسرو، ایران - تهران، ۱۳۷۲ ش، چ ۳.
- علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، موسسه الوفاء، بیروت - لبنان، ۱۴۰۴ ق.
- فیض کاشانی، ملا محسن، المحججه البیضاء، کتابخانه مدرسه فقاها.

فیومی، احمد بن محمد مقرئ، المصباح المنیر، منشورات دار الرضی، قم - ایران، بی تا، چ ۱.  
قرائتی، محسن، تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ایران - تهران، ۱۳۸۸ ه ش، چ ۱.  
قرطبی، محمد بن انصاری، تفسیر قرطبی، دار احیاء التراث العربی بیروت - لبنان ۱۴۰۵ ه -  
۱۹۸۵ م.

کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۵ ه ش، چ ۴.  
مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران،  
۱۳۶۸ ش، چ ۱.

مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، ایران - تهران، ۱۳۷۱ ه ش،  
مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم، ۱۳۷۷ ه ش.  
نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم،  
چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

